

# معرفی، مطالعه و تاریخ‌گذاری پایه ستون تزئینی مکشوفه از منطقه بوکان

کاظم ملازاده<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه همدان

(از ص ۷۳ تا ۸۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۴/۲۰ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۲/۳

## چکیده

در سال ۱۳۸۲ و در جریان بررسی باستان‌شناسی، در مزرعه پرورش اسب اوچ‌تپه بوکان، از پایه‌ستون منحصر به فردی بازدید شد که با توجه به ویژگی‌های هنری، به نظر می‌رسد مربوط به عصر آهن III و محوطه قلاچی باشد که در جریان کاوش‌های غیر مجاز به محل کنونی آن منتقل شده است. این پایه‌ستون فاقد نمونه‌های مشابهی در ایران است اما دارای نمونه‌های قابل مقایسه‌ای در محوطه‌ها و نقوش برجسته آشوری است که گویای ارتباط هنری نزدیکی میان شمال غرب ایران و امپراتوری آشور است. در این مقاله تلاش می‌شود ضمن معرفی مختصر این اثر، به مقایسه و تاریخ‌گذاری این اثر پرداخته و تعلق آن را به محوطه قلاچی و محل قرارگیری احتمالی آن را مورد بررسی قرار دهیم.

**واژه‌های کلیدی:** پایه‌ستون، مانا، قلاچی، هنر آشور

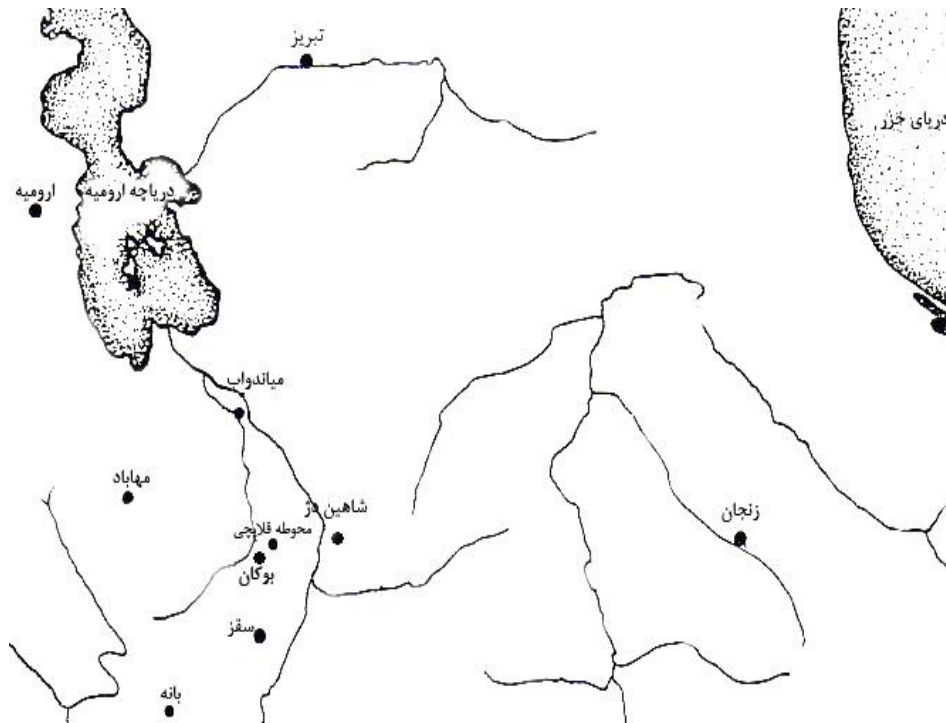
## مقدمه

حوضه جنوبی دریاچه ارومیه و دره‌های دو رودخانه مهم زرینه‌رود و سیمینه‌رود، به جهت شرایط مساعد زیست محیطی، از دوره پیش از تاریخ تا کنون از مناطقی بوده که مورد توجه گروه‌های مختلف انسانی قرار گرفته و فرهنگ‌ها و دولت‌های مهمی در آن شکل گرفته‌اند، که از مهم‌ترین آنها پادشاهی مانا است که حداقل از اواسط قرن ۹ تا اوایل قرن ۶ ق. م. در منطقه حضوری قدرتمند داشته است. مانایی‌ها از فرهنگ و هنر برجسته‌ای برخوردار بوده و موقعیت استراتژیک آنها در کنار مرزهای آشور و اورارتو، به آن‌ها این امکان را داده که قبل از شکل‌گیری دولت ماد، به پادشاهی بزرگ و تأثیرگذار، با آثار فرهنگی و هنری برجسته تبدیل شوند. کشف آثار بسیار قابل توجه در محوطه‌های قلاچی، زیویه، زندان سلیمان، کول‌تاریکه گواه این ادعا است. آثار بسیار ارزشمند مکشوفه از محوطه حسنلوی IV نیز هر چند در قالب پادشاهی مانا (که بر اساس متون آشوری با آن آشنا هستیم) قرار نمی‌گیرد، اما با توجه به قرابت فرهنگی و هنری بسیار، بخشی از تاریخ فرهنگی و هنری اقوام هوری که مانایی‌ها بخشی از این اقوام به شمار می‌آیند، محسوب می‌شود. مطالعه آثار هنری و فرهنگی مکشوفه از این مناطق، ضمن نشان دادن غنای هنری و فرهنگی اقوام مانایی، ما را در شناخت روابط هنری میان مانا و دولت آشور (که انعکاسی از روابط گسترده سیاسی این دو دولت بوده) یاری می‌دهد.

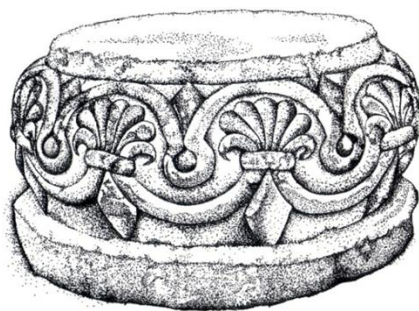
## تاریخچه مطالعات

در سال ۱۳۸۲ در جریان بازدید و بررسی منطقه بوکان که به همراهی بهمن کارگر، سرپرست هیأت حفاری قلاچی صورت گرفت، در مزرعه پرورش اسب اوچ‌تپه، واقع در حاشیه شمالی شهر بوکان و حدود ۱۰ کیلومتری محوطه قلاچی (شکل ۱)، از پایه ستونی بازدید کردیم که علی‌رغم اهمیت و منحصر به فرد بودن آن، متأسفانه هیچ اقدامی برای مطالعه، انتقال و حفاظت آن صورت نگرفته است. مطالعه مقدماتی این احتمال را مطرح کرد که پایه‌ستون مذکور (احتمالاً به همراه نمونه دیگری که از میان رفته) در کاوش‌های غیر مجاز محوطه قلاچی به دست آمده و به این محل منتقل شده است. در این مقاله تلاش می‌شود ضمن معرفی پایه‌ستون مزبور، به صورت علمی به

مقایسه و تاریخ‌گذاری آن پرداخته و انتساب آن را به محوطه فلاچی مورد مطالعه قرار دهیم.



شکل (۱) نقشه منطقه و موقعیت شهرستان بوکان (محل نگهداری پایه ستون) و محوطه فلاچی (محل احتمالی کشف پایه ستون)



شکل (۲) تصویر و طرح پایه ستون منقوش بوکان (ملازاده- سوزنجی)

### معرفی پایه‌ستون مکشوفه

پایه ستون بوکان با طرح مدور از سنگ آهکی مرغوب، به رنگ نخودی ساخته شده و شامل دو حاشیه استوانه‌ای ساده در قسمت بالا و پایین و بدنه محدب منقوش به نقوش برجسته و هنرمندانه‌ای است. ارتفاع پایه‌ستون ۴۸/۵ سانتیمتر، قطر سطح فوقانی آن ۶۵ سانتیمتر و محیط قسمت میانی آن ۲/۶۵ متر است (شکل ۲).

حاشیه تحتانی برای ایستایی بیشتر، نسبت به حاشیه فوقانی از قطر و ضخامت بیشتری برخوردار است. همچنین این امکان وجود دارد که همانند نمونه‌های آشوری (شکل ۳)، این پایه‌ستون در اصل بر روی پایه مکعب شکلی قرار می‌گرفته است. حاشیه فوقانی ضخامت کمتری دارد و به شکل مخروطی و با انحنای ظریفی به داخل کشیده شده تا ناحیه انتقالی متناسبی برای قرار گرفتن ساقه فراهم سازد. بدنه اصلی پایه که طرحی محدب و متناسب دارد، با دو نوار مشتمل بر طرح‌های انتزاعی، مزین شده که هماهنگی بسیاری با طرح محدب بدنه دارد. نوار تزیینی تحتانی شامل قوس‌هایی است که به همراه یک طرح لوزی‌شکل در پایین و نیز طرح صدفی یا برگ‌شکل در بالا، به یکدیگر گره خورده‌اند. بر بالای این قسمت و در جهت عکس، نوار دیگری متشکل از قوس‌های به هم پیوسته با دو عنصر تزیینی کروی و لوزی‌شکل، کار شده است. تناسبات طلائی بخش‌های مختلف پایه ستون نسبت به یکدیگر و نیز شیوه بسیار استادانه طراحی و اجرای تزیین برجسته که تناسب فوق‌العاده‌ای با شکل پایه دارد، این پایه ستون را به اثر نفیسی تبدیل کرده و مطمئناً به سنت هنری غنی و قدرتمندی تعلق داشته است؛ لذا ضروری است تاریخ و تعلق این اثر هنری و نیز سنت هنری مربوط به آن مورد مطالعه قرار گیرد.

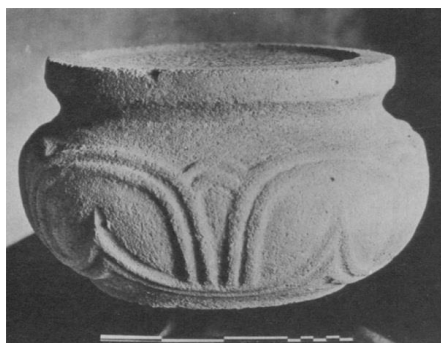
### مقایسه و تاریخ‌گذاری

پایه ستون بوکان نمونه منحصر به فردی است و مشابه آن از دیگر محوطه‌های عصر آهن و نیز از دوره تاریخی ایران گزارش نشده است. طرح‌های تزیینی به کار رفته و نیز وجود نمونه‌های مشابه آشوری، تعلق این یافته را به عصر آهن III مطرح می‌سازد. محوطه‌های عصر آهن شمال‌غرب و غرب ایران با معماری ستون‌دار شامل حسنلو، قلاچی، زیویه، نوشیجان، گودین، باباجان و موارد دیگر است.

در این میان، بناهای حسنلو (دیسون، ۱۹۸۹: شکل ۱۵)، نوشیجان (سترونچ و راف، ۲۰۰۷: ۱۶۴- شکل ۷-۴) و گودین (گپنیک، ۲۰۰۷: ۳۲۱-۳۲۰ - شکل ۷-۱۲، ۷-۱۳)، پایه‌ستون‌های خشتی دارند و پایه‌ستون‌های سنگی تراشیده تنها در فلاچی و زیویه شناسایی شده است. با این حال پایه‌ستون‌های زیویه و فلاچی، قطعه‌ای استوانه‌ای شکل و ساده بیش نیستند و شباهتی با نمونه بوکان پیدا نمی‌کنند. علی‌رغم فقدان نمونه قابل مقایسه‌ای در منطقه، نقوش تزئینی پایه‌ستون بوکان با تعدادی از طرح‌های بکار رفته بر روی آثار هنری زیویه، آجرهای لعاب‌دار فلاچی و ربط (واقع در منطقه سردشت) قابل مقایسه است. از طرف دیگر غیرمنطقی است که تصور کنیم این پایه‌ستون بزرگ در منطقه ساخته نشده و وارداتی است.

نزدیک‌ترین نمونه‌های قابل مقایسه با پایه‌ستون بوکان از محوطه‌ها (به ویژه خورس‌آباد و نینوا) و نقوش برجسته آشور فراهم می‌آیند. علی‌رغم اینکه معماری ستون‌دار و ساخت تالارهای ستون‌دار در آشور متداول نبود، اما مدارک نشان می‌دهد آشوری‌ها با این عنصر ساختمانی آشنایی کامل داشته و از آن در تعدادی از فضاهای ورودی (ایوان) و نیز فضاهای داخلی استفاده می‌کرده‌اند. قدیمی‌ترین نمونه قابل مقایسه آشوری ظاهراً مربوط به محوطه خورس‌آباد از دوره سارگون دوم (۷۰۵-۷۲۷ ق. م.) است. در میان بقایای اتاق ش ۱۵ کاخ K این محوطه، پایه‌ستون‌های کوچکی به دست آمده که از نظر شکل و طرح تزئینی، قابل مقایسه با نمونه بوکان است (شکل ۴). تزئینات این پایه‌ستون هر چند ساده‌تر است، اما همانند نمونه بوکان شامل دو ردیف از قوس‌های به هم پیوسته است که در جهت مخالف هم قرار گرفته‌اند. در کاخ F همین محوطه، پایه‌ستون‌های بزرگ‌تری به دست آمده که فاقد طرح‌های تزئینی است اما شکل پایه با نمونه بوکان قابل مقایسه است (شکل ۶).

از قرن ۷ ق. م. و به ویژه از محوطه نینوا نمونه‌های کاملاً مشابهی شناسایی شده که به شکل پایه‌ستون (شکل ۳ و ۷)، نقش برجسته (شکل ۹-۸) و نیز مدل‌های کوچکی از پایه‌ستون‌های ترکیبی (شکل ۵) ظاهر می‌شوند و نشان می‌دهند که در قرن ۷ ق. م. این نوع پایه با طرح‌های تزئینی مشابه، بسیار متداول و مورد توجه بوده و از آن نه تنها در معماری، بلکه برای ساخت مدل‌های تزئینی کوچک (شکل ۵)، پایه میز و صندلی (شکل ۹) و موارد دیگر نیز استفاده می‌شده است.



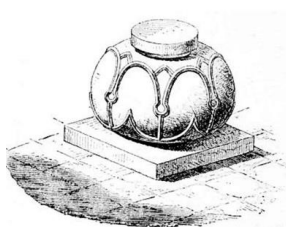
شکل ۴) پایه‌ستون آشوری مکشوفه از خورس‌آباد  
(لوود، ۱۹۳۸: ۳۲)



شکل ۳) پایه‌ستون آشوری مکشوفه از نینوا  
(British Museum. BM. 91989)



شکل ۵) مدل سنگی آشوری از یک نوع پایه‌ستون (British Museum. BM. 90984; Curtis and Reade, p.100)



شکل ۷) پایه‌ستون مکشوفه از نینوا  
(بیروت و چارلز، ۱۸۸۴: ۲۱۴)



شکل ۶) خورس‌آباد، پایه‌ستون‌های ایوان کاخ F (لوود، ۱۹۳۸: ۳۸)

شاخص‌ترین نمونه قرن ۷ ق. م. آشوری که امروزه در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، شکل ش ۳ است که در جریان کاوش کاخ شمالی نینوا به دست آمده است. این پایه‌ستون دارای شالوده مکعب‌شکل بزرگ و بدنه محدب با تزیین مشابه نمونه بوکان است. پایه‌های دیگری با همین طرح، در نقوش برجسته و مدل‌های کوچک ساخته شده آشوری حضور پیدا می‌کنند. با توجه به نمونه‌های ارائه شده و تاریخ تقریباً قطعی پایه‌ستون‌های آشوری و نیز با توجه به روابط گسترده‌ای که در این دوره میان آشور و مانا (که در این تاریخ بر منطقه تسلط داشته) وجود داشته، می‌توان پایه‌ستون بوکان را در قالب قرن ۷ ق. م. تاریخ‌گذاری کرد. در منطقه حضور پایه ستونی که به تقلید از نمونه‌های آشوری ساخته شده با در نظر گرفتن قرابت‌های بسیار میان دیگر آثار هنری مانا و آشور (عاج‌کاری، آجرهای لعاب‌دار و ظروف سفالی لعاب‌دار، فلزکاری و غیره) و نیز روابط سیاسی و نظامی گسترده‌ای که در متون آشوری به ویژه گزارش لشکرکشی هشتم سارگون (میر، ۱۳۸۸) منعکس شده، قابل توجه است.

طرح پایه ستون‌ها و نیز مدل‌های ترکیبی ساخته شده آشوری، متعلق به سنت هنری دامنه‌داری است که در دوره امپراتوری هیتیت شکل گرفته و از طریق دولت‌های هیتیت جدید و یا دولت‌های کوچکی که بعد از فروپاشی پادشاهی میتانی از منطقه شمال سوریه تا دریاچه ارومیه در شمال غرب ایران شکل گرفته بودند، به هنر آشور راه یافته است. استفاده از پایه‌ستون‌های ترکیبی به شکل اسفنکس (مشابه مدل‌های آشوری) در هیتیت متداول بود و به نظر می‌رسد بعد از برافتادن این امپراتوری از طریق دولت‌های هیتیت جدید به هنر و معماری آشور راه یافته است. علاوه بر نمونه‌های ترکیبی (شکل ۹)، در سلیمیه (واقع در نزدیکی آنتالیای ترکیه) از دوره هیتیت جدید، پایه ستونی از قرن ۷ ق. م. به دست آمده که قابل مقایسه با نمونه‌های مورد مطالعه است (شکل ۱۱).





شکل ۸) نقش برجسته کاخ آشور بانیپال در نینوا، حدود ۶۴۰ ق. م. که بر آن پایه‌ستون‌های با اشکال ترکیبی و مشابه نمونه بوکان به تصویر کشیده شده است (رد، ۱۹۹۸: ۴۰).



شکل ۹) نقش برجسته ملکه آشوری در کاخ شمالی نینوا، حدود ۶۴۰ ق. م. قسمتی از صندلی ملکه از پایه ستون ترکیبی تزئین شده است (رد، ۱۹۹۴).





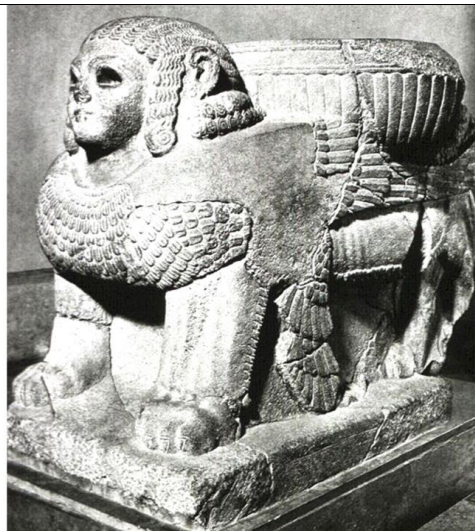
با توجه به این که جمعیت اصلی دولت‌های مزبور (همانند مانایی‌ها)، هوری زبان بودند، این احتمال نیز وجود دارد که پایه ستون بوکان مستقیماً به تأثیر نمونه‌های هیتی-میتانی ساخته شده باشد. وجود عاج‌ها و مهرهای سبک سوری در حسنلو و زیویه، ارتباط هنری مذکور را تایید می‌کند.

بعد از سقوط آشور، ظاهراً ساخت پایه‌ستون‌های مشابه تداوم پیدا نکرد، اما طرح تزیینی این پایه‌ستون‌ها، به شکل‌های مختلف در هنر بین‌النهرین و ایران ادامه پیدا کرد. کاشی‌کاری تالار تخت نبوکدنصر دوم (۵۶۲-۶۰۴ ق. م.) در بابل، با طرح مشابهی تزیین شده است (شکل ۱۲). در ایران پایه ستون بوکان نمونه منحصر به فرد است، با این حال پایه‌ستون‌های ساده با شکل مشابه را می‌توان در دوره‌های بعد (ساسانی) نیز مشاهده کرد (شکل ۱۰).

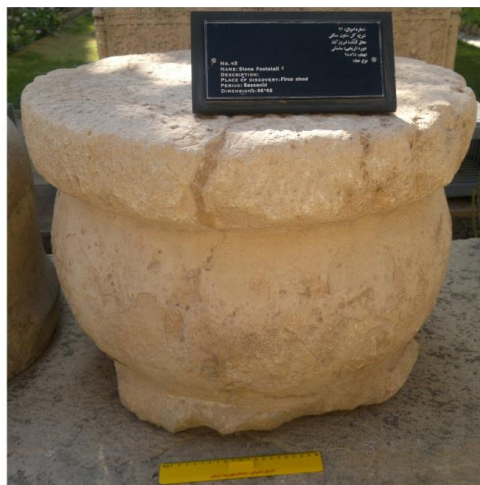
### محل کشف پایه‌ستون بوکان

پایه‌ستون بوکان مطمئناً به بنای مهم و ویژه‌ای تعلق داشته است؛ چرا که حتی در محوطه زیویه و تالار آن که جدیدتر به نظر می‌رسد، از پایه‌های ساده‌تری استفاده شده است. محوطه مهم قلاچی با توجه به آثار ارزشمند معماری و تزیینات غنی آجر لعاب‌دار و نیز نزدیکی جغرافیایی، محتمل‌ترین گزینه است.

محوطه قلاچی در ۸ کیلومتری شمال شرقی شهرستان بوکان واقع شده و از مهم‌ترین محوطه‌های مانایی است که سال‌های اخیر مورد کاوش قرار گرفته است. این محوطه در سال ۱۳۶۴ و در جریان کاوش‌های غیرمجاز و گسترده به شدت تخریب شد و آثار ارزشمند آن (بخشی توسط قاچاقچیان و بخشی توسط ساکنان روستای قلاچی و بوکان) به یغما رفت. خوشبختانه بعدها بخشی از آثار این محوطه، از جمله تعداد زیادی آجر لعاب‌دار و بخشی از استل سنگی آن توسط سازمان میراث فرهنگی جمع‌آوری شد. در همان سال اسماعیل یغمایی به مدت یک فصل مأمور کاوش نجات‌بخشی در محوطه شد که در جریان این کاوش، بقایای معماری، استل سنگی و تعدادی آجر لعاب‌دار به‌دست آمد (یغمایی، ۱۳۶۴). متأسفانه گزارش این کاوش هرگز منتشر نشد.



شکل ۹) تصویر پایه‌ستون ترکیبی به دست آمده از محوطه هیتیت جدید، حدود قرن ۸ ق. م. (www.hittitemonuments.com)



شکل ۱۱) پایه ستون مکشوفه از محوطه سلیمیه در نزدیکی آنتالیای ترکیه مربوط به اواخر هیتیت جدید و قرن ۷ ق. م. (www.flickr.com)

شکل ۱۰) پایه‌ستون ساسانی مکشوفه از محوطه فیروزآباد که از نظر شکل قابل مقایسه با نمونه بوکان است (موزه هفت‌تنان شیراز).

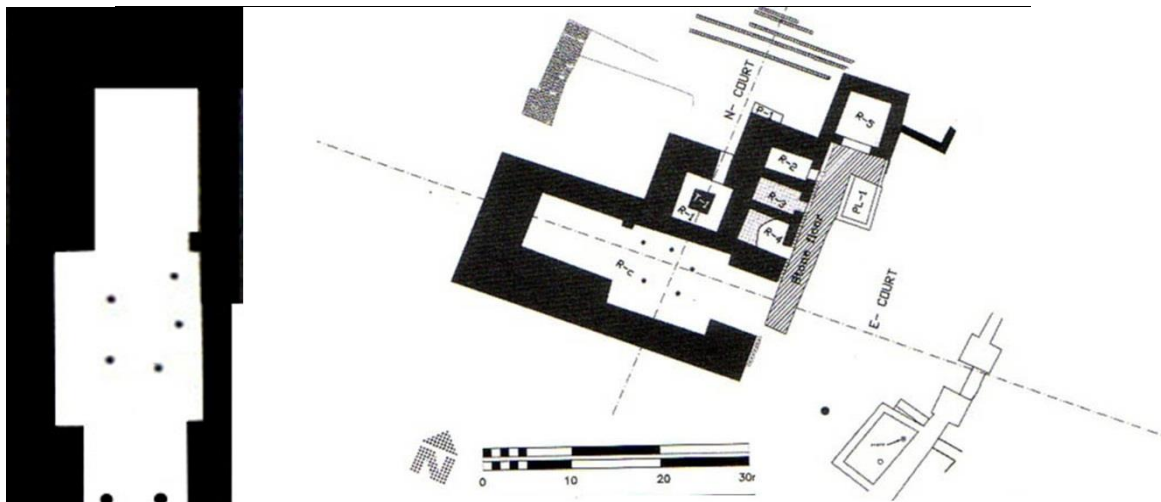


شکل ۱۲) قسمتی از کاشی‌کاری تالار تخت نبوکدنصر دوم در بابل (لیبیک، ۲۰۰۷: ۱۶۶) که با طرح تزیینی مشابه پایه ستون بوکان تزیین شده است.

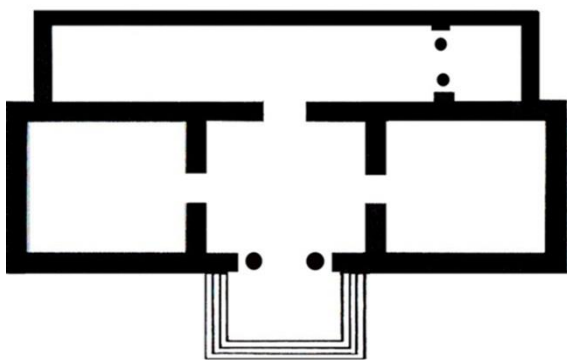
کاوش در محوطه قلاچپی بعد از وقفه چند ساله، در سال ۱۳۷۸ و توسط بهمن کارگر دنبال شد و تا سال ۱۳۸۶ (در قالب ۹ فصل) ادامه یافت (کارگر، الف، ۱۳۸۳: ۲۴۵-۲۲۹؛ کارگر، ب، ۱۳۸۶: ۲۹۴-۲۸۹). متأسفانه گزارش این کاوش‌ها نیز هنوز به صورت کامل منتشر نشده است. نگارنده در طی سه فصلی که فرصت حضور در هیأت کاوش را داشتم، به مطالعه سفالینه‌های این محوطه پرداختم (ملازاده ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۲۷). همچنین آجرهای لعاب‌دار این محوطه تا حدودی توسط نیاکان و حسن‌زاده مورد مطالعه قرار گرفته است (نیاکان، ۱۳۷۸: ۱۶۷-۱۶۲؛ حسن‌زاده، ۲۰۰۶-۲۰۱۱). استل سنگی مکشوفه از محوطه نیز توسط لومر (لومر، ۱۹۹۸)، بشاش (بشاش، ۱۳۵۷: ۳۹-۲۵) و فالس (فالس، ۲۰۰۳) قرائت و مورد مطالعه قرار گرفته است. متأسفانه دیگر آثار و اشیاء مکشوفه تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته و مهم‌تر اینکه مطابقت آن با زیرتو (پایتخت پادشاهی مانا)، حل نشده باقی مانده است. با این حال بیشتر به نظر می‌رسد محوطه قلاچپی تنها یک مرکز مهم مذهبی مانا بوده باشد.

با توجه به آنچه که گذشت، می‌توان احتمال داد که پایه‌ستون بوکان و قرینه احتمالی آن که از میان رفته، در جریان غارت محوطه قلاچپی به دست آمده و به محل کنونی آن انتقال یافته است. قرابت هنری، هم‌زمانی، نزدیکی جغرافیایی، وجود تالار و فضای ایوان ماندنی که ستون لازمه آن است، تزئینات معماری غنی، غارت و انتقال بخشی از آثار محوطه به شهرستان بوکان و روستای قلاچپی و شواهد دیگر، این مکان‌یابی را تایید می‌کند. در صورت صحت این مکان‌یابی، برای محل قرار گرفتن این پایه‌ستون و بازسازی آن می‌توان پیشنهادهایی مطرح کرد.

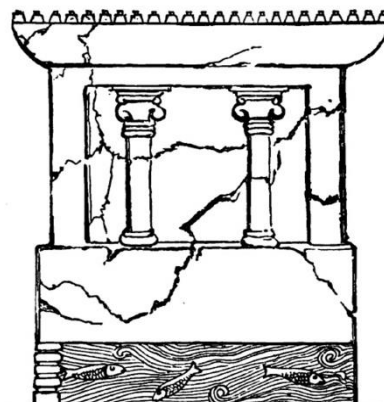
از میان فضاهای معماری کاوش شده در محوطه قلاچپی، تنها دو فضای معماری است که امکان استفاده از این پایه‌ستون را مطرح می‌سازد: تالار ستون‌دار و ایوان یا مدخل ورودی این تالار. با توجه به ابعاد و پلان خاص تالار که نیازمند بیش از دو ستون است و نیز کشف قطعات سنگی که ظاهراً باقی مانده پایه‌ستون‌های ساده و کوچک‌تری هستند، به نظر نمی‌رسد پایه ستون مورد بحث مربوط به فضای داخلی تالار باشد. بنابراین، مدخل گشاده و غیرمعمول تالار تنها گزینه محتمل است.



شکل ۱۳) بالا نقشه بناهای اصلی مکشوفه در قلاچی. بالا سمت چپ نقشه تالار ستون‌دار قلاچی که در ورودی آن محل احتمالی قرارگیری پایه‌ستون‌های منقوش مشخص شده است؛ و در پایین بازسازی رایانه‌ای از مدخل ورودی تالار ارائه شده است (نقشه: کارگر، ۱۳۸۳ و نقشه بازسازی شده: ملازاده و تصویر بازسازی شده: محمد باری).



شکل ۱۵) یکی از بناهای سارگون در خورس‌آباد که شیوه استفاده از ستون در معماری آشور را نشان می‌دهد. (پروت، ۱۹۶۱: ۲۲۳).



شکل ۱۴) بخشی از نقش برجسته کاخ سارگون در خورس‌آباد. (د، ۱۹۹۸: ۸۴).

به نظر می‌رسد در این مدخل، در اصل یک جفت ستون، با پایه‌ستون‌های منقوش و زیبا قرار می‌گرفته است (نقشه و طرح بازسازی شده ش ۱۳). پوشش مدخل ورودی (با عرض بیش از ۷ متر) بدون استفاده از ستون امکان‌پذیر نبوده است. همچنین پوشش تزئینی و غنی مدخل و نمای ورودی (با آجرهای لعاب‌دار زیبا) حضور چنین پایه‌ستون‌های تزئینی را توجیه می‌کند. جایابی و استفاده مشابهی در آشور و محوطه خورس‌آباد دیده می‌شود (شکل ۶ و ۱۵). نقوش برجسته آشوری نیز استفاده از یک جفت ستون را در ایوان یا مدخل ورودی بنا تایید می‌کنند (شکل ۱۴). با توجه به قرابت نزدیک پایه‌ستون بوکان با انواع آشوری و با در نظر گرفتن این حقیقت که در محوطه‌های هیتیت و آشوری از ستون بیشتر در قسمت مدخل ورودی و ایوان استفاده می‌شده است، می‌توان برای مکان قرارگیری پایه‌ستون بوکان نیز موقعیت مشابهی در نظر گرفت.

بر روی پایه‌ستون بوکان، ساقه‌ای استوانه‌ای به قطر حداکثر ۵۰ سانتیمتر قرار می‌گرفته است. با توجه به کشف قطعات سنگ استوانه‌ای شکل از محوطه قلاچی که پایه‌ستون نامیده شده است (کارگر: ۲۳۱)، این احتمال وجود دارد که قطعات مزبور مربوط به ساقه سنگی ستون بوده باشند. با این حال ساقه‌ای با هسته چوبی و اندود ضخیم و منقوش (همانند ستون‌های خزانه تخت جمشید) (شهبازی، ۱۳۸۴: ۲۰۰) نیز محتمل است.

### نتیجه

پایه‌ستون بوکان در منطقه‌ای کشف شده که در سده‌های نخست هزاره اول ق. م. محل شکل‌گیری پادشاهی مانا و فرهنگ و هنر غنی بوده که ارتباط نزدیک با آشور، بر غنای آن افزوده است. هرچند در محوطه‌های هزاره اول منطقه، پایه‌ستون قابل مقایسه‌ای به دست نیامده، با این حال وجود طرح‌های تزئینی قابل مقایسه در محوطه‌های قلاچی، زیویه و ربط و همچنین پایه‌ستون‌های مشابه آشوری، انتساب این پایه‌ستون را به عصر آهن III تایید می‌کند. شواهد موجود نشان می‌دهند که این پایه‌ستون به احتمال بسیار از کاوش‌های غیرمجاز محوطه قلاچی به دست آمده و به محل کنونی آن منتقل شده است. پایه‌ستون مذکور به احتمال بسیار نمونه دیگری نیز داشته که از میان رفته است. در خصوص محل قرارگیری این پایه‌ستون، با توجه به پلان محوطه قلاچی، مدخل یا ایوان ورودی تالار ستون‌دار بهترین گزینه پیشنهادی است. عرض زیاد این ورودی، تزئینات غنی از آجر لعاب‌دار و شواهد دیگر این جایابی را تایید می‌کند. در ارتباط با

زمینه هنری ساخت این پایه‌ستون تزئینی نیز باید گفت، ارتباط گسترده سیاسی، نظامی و فرهنگی آشور با مانا، زمینه‌آشنایی هنرمندان مانایی را با هنر آشور فراهم کرده و این هنرمندان با اقتباس از ساخته‌های آشوری، به ساخت چنین پایه‌ستونی اقدام کرده‌اند. کشف ساخته‌های عاجی، فلزی، سفالی و لعاب‌دار در محوطه‌های منطقه که به تقلید از نمونه‌های آشوری ساخته شده‌اند، این نتیجه‌گیری را تایید می‌کند. همچنین از آن جا که ساخت پایه‌های قابل مقایسه در هنر سوری (هیتیت جدید) نیز سابقه داشته، احتمال اندکی وجود دارد که پایه‌ستون بوکان به تقلید از نمونه‌های هیتیت جدید ساخته شده باشد. مقایسه سبک‌شناسی پایه‌ستون بوکان با انواع آشوری و تزئین غنی‌تر پایه‌ستون بوکان، تاریخ اواسط یا اواخر قرن ۷ ق. م. را برای آن مطرح می‌سازد.

## منابع

- شباش کنزق، رسول، ۱۳۷۵. قرائت کامل کتیبه بوکان، مجموعه مقالات اولین گردهمایی زبان، کتیبه و متون کهن، شیراز، ۱۴-۱۲ اسفند ۱۳۷۰، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، صص ۳۹-۲۵.
- شهبازی، شاهپور، ۱۳۸۴. راهنمای مستند تخت جمشید، بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد، شیراز.
- کارگر قلاچی، بهمن، ۱۳۸۳. زیرتو مرکز مانا: لایه Ib، ۱۳۸۱-۱۳۷۸، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران، حوزه شمال غرب، به کوشش مسعود آذرنوش، پژوهشگاه، تهران، صص ۲۴۶-۲۲۹.
- کارگر قلاچی، بهمن، ۱۳۸۶. خلاصه گزارش نهمین فصل کاوش تپه قلاچی بوکان (زیرتو، مرکز مانا)، گزارش‌های باستان‌شناسی (۷)، ج ۲، (صص ۲۹۴-۲۸۹) پژوهشگاه، تهران.
- مایر، والتر، ۱۳۸۸. متن و ترجمه گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو در سال ۷۱۴ ق. م. فرامرز نجدسمیعی، سازمان میراث فرهنگی آذربایجان غربی و انتشارات گنجینه هنر. ملازاده کاظم، ۱۳۸۲. مطالعات میدانی.
- ملازاده، کاظم، ۱۳۸۳. باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی مانا، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- نیاکان، لیلا، ۱۳۷۸. خلاصه‌ای از مطالعات فنی آجرهای بوکان، در باستان‌شناسی و هنر ایران: ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت الله نکهبان، به کوشش عباس علیزاده و همکاران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۶۷-۱۶۲.
- یغمایی، اسماعیل، ۱۳۶۴. کشف معبد سه هزار ساله در بوکان، روزنامه کیهان، (۶۴/۱۲/۲۱ ص ۹).

- Curtis, J. E and J. E. 1995. Reade (eds). *Art and Empire: Treasures from Assyria in the British Museum*, London, British Museum Press.
- Dyson, R. Jr, 1989, The Iron Age Architecture at Hasanlu: An Essay, Expedition 31(2-3) pp.107-27.
- Fales, F.M. 2003, Evidence for West-east Contacts in the 8th Century B.C; The Bukan Stele, in: Lafranchi, G.B, M. Roaf and R. Rollinger,(eds.), *Continuity of Empire(?) Assyria, Media, Persia*, Padova: 131-148.
- Gopnik, H, 2011, The Median Citadel of Godin period II, in “The high road: the history of Godin Tepe Iran” ed by H .Gopnik and M. Rothman, Mazda, pp. 285-364.
- Hasanzadeh, Y. 2006. The Glazed Bricks from Bukan (Iran), New Insights into Mannean Art, *Antiquity*, vol. 86, no .307: <http://antiquity.ac.uk/projGall/307.html>
- Hasanzade H,Y and H. Mollasalehi, 2011, New Evidence for Mannean Art: An Assessment of Three Glazed Tiles from Qalaichi (Izirtu), in: Javier Álvarez-Mon and Mark B. Garrison (eds.), *Elam and Persia*, Winona Lake, Indiana Eisenbrauns , pp 407-417.
- Kargar, B and A, Binandeh, 2009. A Preliminary Report of Excavations at Rabat Tepe, Northwest Iran, *Iranica Antiqua*, XLIV, pp. 114-129.
- Leick, G., 2007. *Babylonian world*, Routledge, New York and London
- Lemaire, A., 1998. Une inscription araméenne du VIIIe siècle av. J.-C. trouvée à Bukan (Azerbaïdjan iranien), *Studia Iranica* 27 (1) : 15-30, 2007.
- Loud, G and C. b. Altman. 1938. *Khorsabad part II: the Citadel and the Town*, The University of Chicago Press.
- Mollazadeh, K. 2008. The Pottery From The Mannean Site Of Qalaichi, Bukan(NW-IRAN) , *Iranica Antiqua*. Vol XLIII, PP. 107-127.
- Parrot, G and C. Chipiez. *A History of art in Chaldea & Assyria*, vol.1, translated and edited by Walter Armstrong, London, 1884.
- Parrot, A. 1961. *Assur*, Gallimard ,Pari, (in French).
- Reade, J. 1994. *Assyrian Sculpture*, London, British Museum Press.
- Reade, J. 1998. Assyrian Illustrations of Nineveh, *Iranica Antiqua*, vol.xxxiii: 81-94.
- Stronach, D and M. Roaf. 2007. *NUSH-I JAN I: The Major Buildings of The Median Settlement*, British institute of Persian Studies, Peeters. London.
- <http://www.biainili-urartu.de/Iran/Urmia-2004/22.jpg>.



